



و خسارت‌های آن‌ها را برآورد کنند. روز اول را صرف امداد و نجات کرده بودیم. تقریباً از اواخر روز دوم بود که سازماندهی این نیروها را شروع کردیم. فکر می‌کنم حدود ۲۵۰ نفر بودند. لیست این افراد مشخص بود و کارت شناسایی داشتند. بالاخره از طرف یک سازمان رسمی به خانه‌های مردم مراجعه می‌کردند؛ نظام مهندسی به همراه کارگروهی که برای این موضوع تشکیل شده بود، این کارها را انجام می‌داد.

تا جایی که یادم هست روز چهارم بود که جلسه‌ای با حضور استاندار و رئیس بنیاد مسکن کشور داشتیم تا ساخت و ساز ما شروع بشود. پس از آن جلسه، مردم هم در جریان تصمیمات بازسازی قرار گرفتند. رئیس بنیاد مسکن کشور که آمد، ما پرونده‌های امکان را آماده کرده بودیم؛ یعنی میزان خسارت‌ها مشخص شده بود. بانک‌ها را هم خیلی زود، برای دادن تسهیلات، توجیه کرده بودیم؛ بنابراین بعد از استقرار استان‌های معین، ساخت‌وساز را بدون وقفه شروع کردیم؛ در حقیقت به کمک نظام مهندسی، ارزیابی خسارت‌ها توسط افراد کارشناس و کاربرد انجام شده بود

”

با مدیریت هلال‌احمر، در چند نقطه از شهر کمک‌رسانی‌ها را انجام می‌دادیم. و سیستمی نرم‌افزاری راه‌اندازی کردیم تا امکانات را با کارت ملی بدهیم. شماره کارت ملی در کامپیوتر ثبت می‌شد

و دیگر به بازرسی نماینده‌های استان‌های معین نیازی نبود. این اقدام از لحاظ روانی برای مردم هم تسکین‌دهنده بود که آقا! از فرمانداری آمدند و تخریب‌خانه ما را بررسی کردند؛ یعنی مردم می‌دیدند که ما علاوه بر پیگیری مسائل معیشتی، حتی برای امکان دامی و مسکونی روستاییان هم برنامه داریم. برخی از روستایی‌ها زمین قابل ساخت نداشتند. برخی دیگر، بناهای سابق‌شان در جاهای نامناسب و ناامنی بود که نیاز به جابه‌جایی داشتند. در بعضی مناطق هم احداث امکان دامی میسر نمی‌شد. آخر سر برای رفع این مشکلات و انجام ساخت و ساز جدید، محدوده برخی روستاها را بزرگ‌تر کردیم. در نهایت در شهرستان اهر، تعداد شش هزار واحد روستایی که تقریباً به‌طور کامل تخریب شده بودند با واحدهای نوساز جایگزین شدند. علاوه بر آن، افراد زیادی هم با گرفتن تسهیلات دولتی اقدام به تعمیر خانه‌هایشان کردند.

